



## درس دوم؛ فضل خدا

### فضل: بخشش

بحر: دریا

بر: خشکی

لیل: شب

اجزا: جمع جز، بخش ها

تاثیر: اثر کردن

شاخ برهنه: شاخه بدون برگ و میوه

بنی آدم: انسان

شاخسار: شاخه های درختان

از پشت کوه بیرون آمد: طلوع کرد

تحسین می کرد: آفرین می گفت

خورشید نورش را پنهان کرد: غروب کرد

برکه: آبگیر

مغرور: خودخواه، متکبر

به شگفت آمد: تعجب کرد

جذب: چیزی را به سوی خود کشیدن

مشخص: معلوم

جالیز: کشتزار خربزه

از کار خدا سردر نمی آورم: متوجه رازهای

خدا نمی شوم

شکرت: شکر تو را

شمار کردن: شمردن، حساب کردن

که: چه کسی

انجم: ستارگان

نهار: روز

خاک مرده: خاک خشک و بی حاصل

بیخ: بن ، اساس

توحید گوی: ستایش کننده

زمزمه: نغمه، سرود، آواز

حسرت می خورند: افسوس می خوردند

سراغ: در جستجوی چیزی رفتن

غرور: سربلندی

خود بینی: غرور، تکبر

نسیم ملایم: باد آرام

گلبرگ: برگ گل

تشکر: سپاس گذاری

لب به سخن باز کرد: شروع به حرف زدن

کرد

خالق: آفریننده

کردگان: درخت گردو

ناگهان: غیر منتظره

بلای وحشتناکی: گرفتاری سختی

واژگان مخالف:

مرده # زنده

زیبا # زشت

غمگین # شاد

لیل # نهار

بزرگ # کوچک

مغرور # فروتن، متواضع

بحر # بر

برهنه # پوشیده

خواب # بیدار

واژگان هم خانواده:

شکر: شاکر، تشکر

دیدن: دید، دیدار

انجم: نجوم

تعریف: معرفی

فضل: فاضل، فضیلت

تاثیر: موثر، اثر